



بررسی و نقد دیدگاه‌های عالمان شیعی در باب لطم و قمه‌زنی

پدیدآورده (ها) : آقا نوری، علی؛ خوش صورت موفق، اعظم

ادیان، مذاهب و عرفان :: شیعه پژوهی :: زمستان 1394 - شماره 5

از 27 تا 52

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1185370>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 28/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

بررسی و نقد دیدگاه‌های عالمان شیعی در باب لطم و قمه‌زنی

علی آقانوری*

اعظم خوش صورت موفق**

چکیده

عزاداری برای سیدالشهدا (ع) از بارزترین مصادیق تعظیم شعائر شیعی است که جامعه شیعی به آن اهتمام دارد. این شعار فراگیر شیعیان، امروزه در برخی مناطق همراه با اعمالی همچون قمه‌زنی و صدمه‌زدن به بدن انجام می‌شود و موجب ترسیم چهره‌ای خشن و منفور از اسلام شیعی در جهان شده است. از این‌رو بررسی و نقد مشروعیت این قبیل اعمال از دیدگاه عالمان شیعه ضروری می‌نماید. فقهای شیعی درباره این‌گونه اعمال مواضع متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. برخی آن را مطلقاً جایز دانسته‌اند و برخی نیز با شرط واردنشدن ضرر به بدن، فتوا به جواز آن داده‌اند. برخی دیگر از فقیهان با توجه به وهن‌آمیزبودن آن برای مکتب شیعه و با توجه به اینکه قمه‌زنی از مصادیق فعل ضرری و حرام است، آن را موضوعاً از دایره «تعظیم شعائر» خارج دانسته‌اند و به نامشروع‌بودن آن حکم داده‌اند. از نگاه این دسته، با توجه به ضرورت‌ها و اولویت‌های عصر حاضر، از باب حکم ثانوی اعمال مذکور فاقد مجوز قانونی و شرعی است و دلایل مدافعان مشروعیت آن جای چون‌وچرا دارد و نقدپذیر است. مقاله حاضر به بررسی این موضوع مهم و مبتلابه جامعه شیعی می‌پردازد و ادله موافقان را نقد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: قمه‌زنی، جراحات بر نفس، لطم.

* دانشیار گروه مطالعات تاریخ شیعی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول) aliaghanore@yahoo.com

** دکتری مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم a.khoshsorat@yahoo.com

[تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۱۴]

مقدمه

عزاداری بر امام حسین (ع) و یاران شهیدش به عنوان حرکتی هوشمندانه و تأثیرگذار از حیث تربیتی و روحی در صورتی می‌تواند رسالت سنگین خود را محقق کند که به نحو صحیح انجام گیرد و از اصول و ارزش‌های اسلامی و معنوی تبعیت کند، اما امروزه وجود برخی اعمال نامتعارف مانند لطم، به معنای ضربه زدن به صورت و بدن با کف دست (فیومی، بی تا: ۵۵۳/۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴۳۳/۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۴۳/۱۲) یا قمه زنی، شکافتن سر با زدن ضربه به وسیله شیئی برنده، در این مراسم موجب شده است نه تنها از اهداف بلند برگزاری فاصله گرفته شود بلکه گاه آثار مخربی بر دین و مذهب وارد کند. همین مسئله چهره‌ای خشن و تنفرآمیز و غیرعقلایی از راه و رسم شیعی، به‌ویژه در فضای مجازی، فراهم کرده و موجبات تحقیر، وهن مذهب و احیاناً شکاف بین مذاهب اسلامی و برخی اختلافات درون‌مذهبی را به دنبال داشته است. مقاله حاضر در بخش اول ادله‌ای را مطرح می‌کند که موافقان به آن استناد می‌کنند. سپس در بخش دوم، ضمن نقد ادله موافقان، به شرح ادله و نظریات مخالفان خواهد پرداخت.

۱. موافقان مشروعیت لطم و قمه زنی

موسوی خویی از جمله موافقان مشروعیت لطم و قمه زنی است. وی معتقد است لطم زدن از روی حزن و اندوه در مصیبت امام حسین (ع) هرچند شدید باشد، از شعائر و مستحب است. از این جهت که تحت عنوان جنع قرار دارد و نصوص معتبر بر رجحان آن دلالت دارد، حتی اگر لطم به خون آمدن یا کبودشدن سینه بینجامد. وی معتقد است تا وقتی لطمه به حد جنایت بر نفس نرسد و ظلم به آن محسوب نشود، هیچ دلیلی بر حرمتش وجود ندارد (موسوی خویی، ۱۴۱۶: ۴۴۳/۳). وی در جای دیگری حرمت انجام دادن اموری مانند لطم را برای ائمه و امام حسین (ع) استثنا کرده و به آنچه زنان اهل بیت (ع) از لطم صورت و گریبان چاک کردن برای امام حسین (ع) انجام داده‌اند، استناد کرده و روایت حنان بن سدیر را نیز شاهدهی بر مدعای خود دانسته است (همو، ۱۴۱۸: ۳۴۲/۹).

همچنین، وی از جمله معتقدان به مشروعیت قمه زنی محسوب می‌شود، چنانچه در

مقام پاسخ به پرسشی درباره قمه آورده است: «آنچه برخی مؤمنان انجام می‌دهند، از قبیل لطم و قمه‌زنی اگر به عنوان اظهار همدردی با مصائب اهل بیت (ع) باشد، مادامی که ضرر چندانی در آن وجود نداشته باشد، اشکالی ندارد» (همو، ۱۴۱۶: ۳/۳۱۵). در مسئله قمه نیز همانند مسئله لطم‌زنی، ملاک وی «ضرر نبودن» است که در بحث لطم با عنوان «جنایت نکردن بر نفس و ظلم نکردن» مطرح می‌کنند و در اینجا با قید «ضرر نبودن» بیان کرده‌اند.

شیخ جواد تبریزی، به عنوان یکی از معتقدان به لطم‌زنی، ادعای وحدت رویه بین شیعه و سنی در این زمینه دارد و معتقد است لطم و پوشیدن لباس سیاه از شعائر اهل بیت (ع)، و از مصادیق آشکار آیه «وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲) است و هر کس در تضعیف این شعائر بکوشد یا از اهمیت آن در بین جوانان شیعه بکاهد، در حق اهل بیت (ع) گناه کرده و روز قیامت برای گمراه کردن مردم از جهت ظلم‌هایی که به ائمه (ع) روا شده، مسئول خواهد بود (تبریزی، ۱۴۲۵: ۱۵۲). وی انجام هر آنچه را تحت عنوان جزع قرار می‌گیرد بلامانع می‌داند (همان: ۱۵۴).

نخجوانی در کتاب خود با ذکر فتاوی نایینی، سید عبدالهادی شیرازی، سید جمال‌الدین موسوی گلپایگانی و سید محسن طباطبایی حکیم، ایشان را از جمله فتوادهندگان به مشروعیت زنجیرزنی و لطمه‌زنی معرفی می‌کند (نخجوانی، بی‌تا: ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹ و ۱۱۰، به نقل از: هاشمی شاهرودی و جمعی از مؤلفان، بی‌تا: ۲۱۰/۴۹).

۱.۱. ادله نقلی موافقان

با دقت نظر و تأمل در شواهد روایی می‌توان دلایل موافقان مشروعیت لطم و قمه‌زنی را به شرح زیر دانست:

الف. وجود روایات دال بر استحباب جزع در مصیبت سیدالشهدا و اهل بیت (ع) یکی از مهم‌ترین ادله موافقان مشروعیت است (نک: طوسی، ۱۴۱۴: ۱۶۱، ح ۲۶۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳/۲۸۲، ح ۳۶۵۷ و ۵۰۵/۱۴، ح ۱۹۶۹۹ و ۴۱۱/۱۴ و ۵۰۷/۱۴؛ مجلسی، ۱۴۱۰: ۴۴/۲۸۰، ح ۹ و ۳۱۳/۴۵، ح ۳۲ و ۱۰۶/۹۹ و ۲۹۱/۴۴، ح ۱۴).

از طرفی با عنایت به معنای جزع در لغت که به معنای بریدن، بی‌صبری و بی‌تابی و اظهارکردن آن آمده (قرشی، ۱۴۱۲: ۲/۳۴؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱/۲۱۶؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۴/۳۱۱) و این

بی‌تابی هر گونه که آشکار شود، جزع به شمار می‌رود از نظر قائلان به مشروعیت، هر عملی را که نشانه بی‌صبری و التهاب در مصیبت باشد، جزع می‌نامند و اعمالی مانند قمه‌زنی، لطم به سر و صورت، زنجیرزدن، سینه‌زدن به گونه‌ای که منجر به خون‌ریزی یا کبودشدن شود، کوبیدن سر به دیوار، پاره‌کردن پیراهن و ... نیز از مصادیق جزع می‌دانند، چنانچه آمده است: «شدیدترین حالت جزع ... لطم به صورت و سینه و کندن مو است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۲/۳، ح ۱؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۱/۳، ح ۳۶۲۵، مجلسی، ۱۴۱۰: ۹۰/۷۹).

آنها معتقدند حتی در مصیبت اولیای خدا، جزعی که از روی نارضایتی به قضا و قدر الاهی صورت گیرد قطعاً حرام است اما نمی‌توان جزعی را که برای اظهار خشم و غضب بر دشمنان و برائت‌جستن از کردار و رفتار آنان و بروز محبت به اولیای الاهی است مشمول نهی شرعی دانست. از نگاه آنان، جزع بر سیدالشهدا، (ع) که از بارزترین مصادیق آن است، نه تنها مستحب بلکه از عبادت‌های بزرگ شمرده می‌شود. زیرا چنین مصیبتی رویکرد معنوی و خدایی دارد و نیز نیت جزع‌کننده فرونشاندن غم و اندوه خود نیست، بلکه بی‌تابی کردن در مصیبت امامان و معصومان (ع) است و به قصد اظهار بی‌زاری و انزجار از ظلم ظالمان و زنده نگه‌داشتن بزرگی و عظمت صاحب مصیبت انجام شده است. همچنین، در برخی روایات، بر استحباب جزع برای اهل بیت (ع) تأکید شده است. بنابراین، اگر امام (ع) می‌فرماید جزع کردن برای ما مستحب است، می‌توان استفاده کرد که همه این اعمال مستحب است؛ زیرا امام (ع) جزع را به طور مطلق بیان کرده و آن را توضیح نداده، یا در مصادیق خاصی منحصر نکرده است. بنابراین، طبق مقدمات حکمت، اگر قیدی لازم بود یا مصداق خاصی از جزع مد نظر ایشان بود یا مصادیق خاصی از نظر ایشان حرمت داشت، باید آنها را ولو در قالب کلیاتی بیان می‌کردند، در حالی که این اتفاق نیفتاده است. بنابراین، از اطلاق روایات به این نتیجه می‌رسیم که جزع به تمام معانی و مصادیق آن مجاز و بلکه مستحب است (هاشمی شاهرودی و جمعی از مؤلفان، بی‌تا: ۱۶۳/۵۰). بسیاری از فقها دقیقاً به این مطلب استناد کرده و صریحاً آن را بیان کرده‌اند. برای مثال در استفتائاتی که از این فقیهان نقل شده، صراحتاً آمده است که این مسائل داخل در عنوان جزع و به همین جهت مستحب است (همان: ۱۹۳/۴۹).

ب. روایات دال بر جواز لطم (سینه‌زنی، زنجیرزنی و زدن به صورت) و گریبان

چاک‌زدن در مصیبت سیدالشهدا و اهل بیت (ع) از دیگر مستندات است که موافقان مطرح می‌کنند.

موافقان مشروعیت با استناد به عملکرد فاطمیات، از نداشتن کفاره برای لطم، در صورتی که برای امام حسین (ع) باشد، جواز لطم را برداشت می‌کنند، چنانچه آمده است: «هیچ کفاره‌ای برای لطم وجود ندارد مگر آنکه توبه و استغفار شود. فاطمیات برای مصیبت امام حسین (ع) گریبان دریدند و لطم زدند و برای چنین مصیبتی گریبان‌دریدن و لطم‌زدن سزاوار است» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲۵/۸). آنان لطم (سینه‌زنی، زنجیرزنی، به سر و صورت زدن) را از بارزترین مصادیق جزع می‌دانند و به روایاتی در این زمینه استناد می‌کنند (از باب نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۲/۳، ح ۱؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۱/۳، ح ۳۶۲۵ و ۴۰۲/۲۲، ح ۲۸۹۴؛ مجلسی، ۱۴۱۰: ۳۶۴/۱۳).

ج. موافقان به روایات دال بر استحباب نوحه و مدیحه‌سرایی نیز احتجاج می‌کنند، با این توضیح که نوحه اقسام مختلفی دارد که مشتمل بر نوحه حرام، جایز و مستحب است. نوحه حرام نوحه‌ای است که در آن دروغ گفته می‌شود و برخی مطالب به ناحق مطرح می‌گردد. مثلاً کسی را به صفتی که در او نیست، وصف می‌کنند. این نوع مداحی در زمان جاهلیت رواج داشت و روایات از این نوع نوحه بر حذر داشته‌اند (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۷۶/۴؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۲/۳). اما اگر در مداحی، دو شرط راست‌گویی (مطابق واقع بودن) و به حق گفتن وجود داشته باشد، این مداحی جایز است و فرد مدح‌شونده در آن موضوعیت ندارد. لذا روایات بسیاری دلالت دارند که نوحه‌سرایی بر هر میتی جایز است (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۴۲/۳، ح ۳۵۱۹۶ و ۱۲۷/۱۷، ح ۲۲۱۶۱ و ۲۲۱۶۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۱۰: ۲۷۹/۴۷؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۵۹/۶، ح ۱۴۹، صدوق، ۱۴۱۳: ۱۶۱/۳، ح ۳۵۸۹، طوسی، ۱۳۹۳: ۶۰/۳، ح ۲). بدیهی است اگر در مداحی دو شرط مذکور در نوحه جایز، رعایت شود و فرد مدح‌شونده، ویژگی خاصی از قبیل مؤمن‌بودن، صالح‌بودن و شهیدبودن داشته باشد، این مداحی مستحب خواهد بود؛ چنانچه روایات متعددی نیز دلالت دارند بر اینکه نوحه‌سرایی بر اهل بیت (ع)، به‌ویژه سیدالشهدا (ع) و نیز نوحه بر مؤمنان مستحب است، مانند آنکه حضرت فاطمه (س) بر پدرش نوحه کرد و پیامبر (ص) امر کرده بود که بر حمزه نوحه کنند (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۴۱/۳، ح ۳۵۱۸، باب ۷۰ از أبواب الدفن، ح ۴؛ خوش‌صورت موفق، ۱۳۹۳: ۵).

بنابراین، می‌توان گفت در متون دینی، روایاتی دال بر جواز و استحباب برخی اعمال غیر از گریه، وجود دارد. روایات مذکور در قالب‌های مختلفی گزارش شده است که گروهی از آنها دلالت بر استحباب جزع در مصیبت سیدالشهدا و اهل بیت (ع) می‌کند. گروه دوم بر جواز لطمه (به صورت زدن، سینه‌زنی و زنجیرزنی) و گریبان چاک کردن در مصیبت سیدالشهدا و اهل بیت (ع) دلالت می‌کنند و گروه دیگر ناظر بر استحباب نوحه‌سرایی بر امام حسین و معصومان (ع) است.

۲.۱. شواهد تاریخی و سیره اهل بیت (ع)

سیره اهل بیت امام حسین (ع) و ائمه معصومان (ع)، دلیل دیگر موافقان مشروعیت است که مستندات فراوانی را در این زمینه مطرح می‌کنند.

الف. بی‌تابی امام زمان (عج) در مصیبت سیدالشهدا (ع) از جمله آنها به شمار می‌رود، چنانچه در بخش‌هایی از زیارت ناحیه مقدسه آمده است: «اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و مرا از یاریات محروم کرد و با کسانی که با تو به جنگ برخاستند، نجنگیدم و در مقابل دشمنانت نایستادم، پس صبح و شام بر تو به جای اشک خون گریه می‌کنم، گریه‌ای از روی حسرت بر مصیبتی که تو را فرا گرفت، تا روزی که از درد مصیبت تو و غم و اندوهت بمیرم».

ب. برخی برای جواز قمه‌زنی به عمل حضرت زینب (س) در شکستن سر خود به هنگام ورود به کوفه و سکوت امام سجاد (ع) در برابر این عمل استناد کرده‌اند. تاریخ‌نگاران آورده‌اند هنگامی که کاروان اهل بیت را به کوفه وارد کردند، زن و مرد از خانه‌ها بیرون آمدند و در حالی که زنان گریه می‌کردند ... ناگهان سرهای شهدا و پیشاپیش آنها سر امام حسین (ع) را که بر نیزه کرده بودند وارد کردند. وقتی چشم حضرت زینب (س) به سر بریده برادر افتاد، سر خود را به چوبه محمل زدند، به گونه‌ای که خون از زیر موهایشان جاری شد (کاشانی، ۱۳۳۷: ۵۴/۶ و ۵۵). در استناد به این گزارش تاریخی، مدعیان جواز قمه‌زنی گفته‌اند اگر قمه‌زنی و سرشکافتن در عاشورا و عزای امام حسین (ع) روا نیست، چرا حضرت زینب (س) سرش را به چوبه محمل کوبید و سر و صورتش را آغشته به خون کرد؟ مگر امام سجاد (ع) همراه زینب (س) نبود تا ایشان را از این عمل نهی کند؟

ج. عملکرد زنان در مصیبت سیدالشهدا (ع) در واقعه عاشورا یکی دیگر از این مستندات است، چنانچه به نقل از امام صادق (ع) آمده است: «ولقد شققن الجيوب و لظمن الخدود الفاطمیات علی الحسین بن علی (ع) و علی مثله تلطم الخدود و تشق الجيوب»؛ «همانا فاطمیات (دختران زهرا (ع)) بر حسین بن علی (ع) گریبان دریدند و بر گونه‌ها لطمه زدند و بر مثل چنین بزرگ‌مردی باید لطمه زد و گریبان درید» (مجلسی، ۱۴۱۰: ۱۰۶/۸۲؛ احسائی، ۱۴۰۵: ۴۰۹/۳). موافقان مشروعیت قمه‌زنی، عمل زنان در روز عاشورا را قابل استناد دانسته‌اند و حتی بی‌تابی رسول خدا (ص)، فاطمه زهرا (س)، علی (ع)، انبیا (ع)، ملائکه، حورالعین و آسمان و زمین در مصیبت سیدالشهدا (ع) را یکی دیگر از این مصادیق برمی‌شمرند، چنانچه آمده است:

پس پیامبر (ص) بی‌قرار شد و قلب و حشمت‌زده او گریست و ملائکه و پیامبران در مصیبت تو به او تعزیت و تسلیت گفتند و مادرت زهرا (س) در مصیبت تو سخت دردمند شد و لشکری از ملائکه مقرب، پدرت امیرالمؤمنین (ع) را تعزیت گفتند و در اعلی‌علین برایت مجالس ماتم بر پا کردند و حورالعین در عزای تو لطمه بر خود زدند و آسمان و ساکنان آن، بهشت‌ها و خزینه‌داران آن، کوه‌ها و صخره‌ها و اطراف آن، دریاها و ماهیان آن، باغ‌های بهشت و فرزندان، خانه خدا و مقام، مشعرالحرام و حل و حرم، همه بر تو گریستند (مجلسی، ۱۴۱۰: ۳۲۰/۹۸).

برخی از موافقان به سیره متشرعه و متدینان در این خصوص استناد می‌کنند و آن را در زمره دلایل مقبولیت لطم و قمه‌زنی می‌خوانند (!).

۳.۱. تقریر معصوم

تقریر معصوم نیز از دلایل موافقان محسوب می‌شود. عده‌ای معتقدند اعمال فاطمیات و حضرت زینب (س) در محضر امام سجاد (ع) انجام می‌گرفته است و در صورتی که این اعمال فاقد مشروعیت بود بر امام (ع) لازم بود آنها را از این اعمال باز دارد، در حالی که سکوت اختیار کرد و این خود دلیل بر مشروعیت اعمال آنها است.

بررسی و نقد مستندات موافقان

هرچند قائلان به نامشروع بودن قمه زنی دلایل مستقلى برای مدعای خود مطرح کرده اند، که در بخش دوم به تفصیل خواهد آمد، اما معتقدند مستندات موافقان مشروعیت جای چون و چرا دارد و نقدپذیر است. چنانچه گذشت، اولین دلیل قائلان به مشروعیت، روایات است که خود مشتمل بر سه گونه است: روایات دال بر استحباب جزع، روایات دال بر جواز لطم و سینه زنی، و روایات ناظر به استحباب نوحه سرایی؛ که در ادامه بررسی می کنیم.

نقد دلیل اول: مطلق نبودن جزع در روایات

روایات جزع، به چند دلیل اطلاق ندارند؛ اولاً، اطلاق جزع در خود روایاتی که دلالت بر استحباب جزع می کنند، برداشته شده و جزع منحصر در مصادیق خاصی شده است، چنانچه در داستان بی تابی امام سجاد (ع) در سوگ عاشورا آمده است که هر وقت آب می دید، به قدری گریه می کرد که نزدیکانش بر جان ایشان می ترسیدند، یا حکایت گریه های سوزناک حضرت بقیة الله (عج) در رثای امام حسین (ع): «وَلَأَبْكِينَ لَكَ بَدَلًا الدُّمُوعَ دَمًا»؛ «به جای اشک، خون گریه می کنم». نیز اشاره شده است که جزع این دو بزرگوار، که نماد راستین عزاداری و سوگواری اند، فقط گریه و تألم شدید بوده است و نشانی از قمه زنی یا لطم زنی وجود ندارد.

بدیهی است روایات مذکور به روشنی دلالت دارند که علاوه بر گریه، جزع هم بر مصائب عاشورا مستحب است و خشنودی اهل بیت (ع) را در پی دارد. در دعای ندبه نیز به صراحت، سخن از بلندکردن فریاد و ناله به میان آمده است؛ در نتیجه، درست است که این گونه نیست که در روایات فقط گریه کردن بر آن حضرت مطرح شده باشد اما هیچ کدام از روایات دال بر استحباب عملی نامتعارف، مثل قمه زنی و لطم زنی، نیز نبوده اند، به ویژه آنکه اهل بیت (ع) مقصودشان را از جزع برای امام حسین (ع) با گفتار و رفتار عملی خود بیان کرده اند.

بنابراین، برخی فقها، علی رغم آنکه جزع را مستحب می دانند، قمه را از مصادیق آن محسوب نمی کنند و معتقدند عنوان جزع بر آن صدق نمی کند، از جمله شیخ جواد تبریزی، که هرچند معتقد است مجالس عزاداری برای تعظیم شعائر اسلامی است،

اظهار جزع و حزن و شیون بر مصائب وارد شده بر معصومان (ع)، به ویژه اباعبدالله الحسین (ع) را به منظور تعظیم آنان اجازه می‌دهد (محمودی، ۱۳۸۵: ۳۴/۴) اما داخل کردن قمه‌زنی در قضیه جزع بر سیدالشهدا (ع) و اهل بیت و اصحاب ایشان را محرز نمی‌داند و در نهایت می‌گوید: «پس سزاوار است مؤمنین به کارهایی اقدام کنند که دخول آن در جزع، محرز است؛ مانند گریه کردن و ...» (همان: ۳۶/۴).

نکته مهم دیگر اینکه حتی اگر قائل به دلیل اول موافقان شویم، باید گفت ذیل دلیل اول دچار خلط عناوین شده‌اند، چنانچه خود آنان در توضیح مفهوم جزع به روایتی استناد کرده‌اند که مصادیق جزع را برشمرده است، اما در همان جا جزع با مصادیقی مانند ناله، لطم بر سر و صورت و کندن مو معرفی می‌شود و به هیچ وجه به قمه‌زنی اشاره‌ای نشده است. این در حالی است که از این دلیل برای اثبات مشروعیت قمه‌زنی نیز استفاده می‌کنند!

همچنین، با وجود چنین احادیثی که مصادیق جزع را شرح می‌دهد و خود موافقان نیز به آن قائل‌اند، تمسک به اطلاق روایات و مقدمات حکمت که به آن استناد می‌کنند، محل اشکال است؛ چراکه با وجود قیود و توضیحات مندرج در برخی احادیث، اطلاقی برای روایات استحباب جزع باقی نمی‌ماند.

دسته دوم روایاتی است که دلالت بر جواز لطم به صورت و سینه در رثای اهل بیت (ع) می‌کنند و مستند موافقان قرار گرفته است، که محکم‌ترین مصداقی که عرضه کرده‌اند جریان عزاداری و شیون فاطمیات در روز عاشورا است که چنانچه توضیحش خواهد آمد، دلالتی بر جواز قمه‌زنی و لطم‌زنی ندارد! (هاشمی شاهرودی و جمعی از مولفان، بی‌تا: ۱۸۶/۵۰).

روایت خالد بن سدید از امام صادق (ع) درباره کفاره است و کفاره نیز در جایی است که انجام دادن کار حرام در میان باشد. بنابراین، این روایت به جای آنکه بر جواز قمه‌زنی و لطم دلالت کند به روشنی بر حرمت لطمه زدن به صورت در مصائب دلالت دارد؛ و جمله: «لا شیء فی اللطم» ثبوت کفاره را نفی می‌کند، اما حرمت آن به جای خود باقی است (تاج، بی‌تا: ۵/۱).

اما درباره روایات دسته سوم باید گفت نوحه‌سرایبی، مستحبی است که همگان حتی مخالفان می‌پذیرند و تخصصاً از موضوع خارج است؛ چراکه موضوع بحث درباره

عزاداری‌های نامتعارف است در حالی که نوحه‌سرایی از روش‌های متعارف و شناخته‌شده‌ای است که لازمه طبیعی و عرفی هر نوع عزاداری است.

نقد دلیل دوم: سیره اهل بیت (ع) و متشرعه

اول اینکه خود سیره عملی اهل بیت (ع) بهترین روش برای تبیین منظور ایشان از جزع کردن و کیفیت عزاداری است. زیرا احکام صادرشده از امام (ع) دو گونه‌اند؛ یا محل ابتلای خود امام (ع) نیز هست یا نیست. اگر محل ابتلای امام (ع) نباشد و قیدی از جانب ایشان آورده نشود، می‌توان به اطلاق لفظ حکم تمسک کرد. اما اگر محل ابتلای خود امام (ع) نیز باشد، حتی اگر امام (ع) به طور شفاهی قیدی را ذکر نکند ولی در مقام عمل خود را مقید به روش خاصی کند، همین روش، مفسر مقصود ایشان از حکم خواهد بود. بنابراین، نمی‌توان به اطلاق لفظ تمسک کرد. در چنین موقعیت‌هایی عمل معصوم (ع) که مقرون به امرش است، بیانگر مقصود ایشان از آن امر است. بنابراین، اگر امام (ع) امر به جزع برای امام حسین (ع) و سایر ائمه (ع) می‌کند و خود که عامل‌ترین افراد به احکام است، روش خاصی را در جزع کردن در پیش می‌گیرد، روشن می‌شود که مقصودشان از امر به جزع، همین اعمال و با همین کیفیت بوده است و از این رو در چنین مسائلی نمی‌توان به اطلاق لغوی و عرفی لفظ عمل کرد (هاشمی شاهرودی و جمعی از مؤلفان، بی‌تا: ۱۷۵/۵۰).

دوم اینکه آنچه در سیره ائمه (ع) دیده می‌شود فقط گریه و اندوه است نه بیشتر، و حتی استناد موافقان به بخش‌هایی از دعای ندبه، بر فرض صحت آن، نیز مؤید همین مسئله است: «فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَى اللّٰهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكُ الْبَاكُونَ وَ إِيَاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْتَنْدِرْ الدُّمُوعُ وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ وَ يَضْجُ الضَّاجُونَ وَ يَعِجُّ الْعَاجُونَ»؛ «بر پاکیزگان از اولاد محمد و علی - صَلَى اللّٰهُ عَلَيْهِمَا - پس بر آنان گریه‌کنندگان گریه و ندبه‌کنندگان ندبه کنند و برای مثل آنان باید اشک‌ها ریخته شود و فریادکنندگان فریاد کشند و ضجه‌کنندگان ضجه زنند و صدایشان را به ناله بلند کنند» (مشهدی حائری، ۱۴۱۹: ۵۷۸؛ حلی، ۱۴۰۹: ۵۰۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۱۰: ۱۰۷/۹۹). در این بخش‌ها بر چیزی غیر از گریه کردن و نوحه‌خواندن تأکید نشده است و همه اینها از امور متعارف هستند، در حالی که محل نزاع، درباره امور نامتعارف در عزاداری بود

(هاشمی شاهرودی و جمعی از مولفان، بی‌تا: ج ۵۰/ص ۱۶۸). ضمن اینکه برخی عبارات حضرت حجت مانند خون گریه کردن «استعاره» است.

سومین نکته اینکه استناد به سیره زنان در کربلا نمی‌تواند مجوزی برای قمه باشد؛ چراکه زنان در کربلا در وضعیت بسیار دشوار و وصف‌ناپذیری بودند که خارج از وضعیت عادی و عرفی هر فرد است. پس نمی‌توان به سیره آنها استناد کرد و صرف اینکه زنان حاضر در کربلا اقدام به لطم و امثال آن کرده‌اند دلیل بر جواز نخواهد بود؛ چراکه فاطمیات در روز عاشورا در ضرورت و اضطرار قرار داشتند و قطعاً از عملی که در هنگام بروز ضرورت به طور طبیعی صادر می‌شود، نمی‌توان حکمی عمومی برای همه زمان‌ها و مکان‌ها صادر کرد و دلیل این مدعا آن است که این عمل دیگر در تاریخ تکرار نشد، حتی در خرابه شام که عزاداران در اوج تألم بودند، گزارشی از این اعمال در تاریخ وجود ندارد، یا در سال‌های بعد در روز عاشورا، همین افراد چنین اعمالی را تکرار نکردند؛ و اساساً نحوه عملکرد ایشان نمی‌تواند ملاک و مجوز مشروعیت باشد، بلکه آنچه ملاک است سیره و عملکرد معصوم (ع) است که در این خصوص هرگز از امام سجاد (ع) نقلی بر انجام دادن چنین اعمالی وجود ندارد.

نکته چهارم اینکه، در خصوص سر شکستن حضرت زینب (س)، استناد به این گزارش تاریخی، برای قمه‌زنی و کارهایی همانند آن، از چند جهت مخدوش است؛ اول اینکه این روایت مرسله است و مجلسی که این گزارش را آورده، به مرسله بودن آن تصریح کرده است. وی می‌نویسد: «رأیت فی بعض کتب المعتبرة، روی مرسلأ عن مسلم الجصاص»؛ «در برخی کتاب‌های معتبر دیده‌ام که به گونه‌ای مرسل از مسلم نقل شده است». با چنین روایتی چگونه می‌توان این عمل را به زینب کبری (س) نسبت داد یا بر اساس آن مسئله‌ای فقهی و موضوع به این مهمی، با تبعات زیانبار برای مکتب را، اثبات کرد؟! محدث قمی در نقد سند روایت یادشده می‌نویسد: «ذکر محامل و هودج، در غیر خبر مسلم جصاص نیست. و این خبر را گرچه علامه مجلسی (۱۴۱۰) نقل کرده، لکن مأخذ آن منتخب طریحی و کتاب نورالعین است که حال هر دو کتاب بر اهل فن پوشیده نیست» (قمی، ۱۳۷۹: ۴۹/۱؛ الطهرانی، ۱۴۰۳: ۲۲/۴۲۰؛ قاضی طباطبایی، ۱۳۸۳: ۶۰ و ۶۴).

از نظر محتوایی نیز، این روایت اشکالاتی دارد؛ از جمله اینکه با سفارش پیامبر (ص) به فاطمه زهرا (س) و همچنین با سفارش امام حسین (ع) به زینب کبری (س)

معارض است (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۲/۳؛ مجلسی، ۱۴۱۰: ۱/۴۵-۳)؛ چراکه امام حسین خواهر را سوگند دادند که اقدام به لطم و پریشان کردن مو نکنند (همان: ۲/۴۵؛ احمد بن جعفر بن وهب، بی تا: ۲۴۴/۲؛ بلاذری، ۱۳۹۷: ۱۸۵/۳؛ ابن جوزی، بی تا: ۳۳۸/۵؛ ابن کثیر، بی تا: ۱۷۷/۸). آیا با چنین سفارش‌هایی می‌توان گفت عقیده بنی‌هاشم به چنین کاری دست زده‌اند؟!

علاوه بر این، لطم زنی با مقام والا و روح بزرگ حضرت زینب (س) منافات دارد و با شأن و جایگاه آن حضرت سازگاری ندارد: «نسبت سر شکستن به زینب (س)، که عقیده هاشمیین و عالمه غیرمعلمه و رضیعه ثدی نبوت و صاحب مقام رضا و تسلیم است، بعید است» (قمی، ۱۳۷۹: ۱/۴۹۳). ضمن اینکه برخی معتقدند اساساً شتران، محمل و هودج نداشته‌اند (همان: ۱۰۷/۱). بر همین اساس، شیخ عباس قمی در ادامه سخنان یادشده آورده است که «آنچه از مقاتل معتبر معلوم می‌شود، حمل ایشان بر شتران بوده که جهاز ایشان پلاس و روپوش نداشته‌اند» (همان: ۱/۴۹۳). هرچند هودج رسم عرب برای زنان بوده اما با عنایت به اسیربودن این خاندان، فراهم نکردن هودج برای زنان اسیر در این کاروان طبیعی به نظر می‌رسد که شاید منظور مجلسی، در لُهوف از نبودن هودج همین باشد و در نهایت اینکه، قیاس قمه زنی بر این عمل (بر فرض ثبوت) مع الفارق است؛ چراکه معلوم نیست با قصد صورت گرفته باشد یا نه. بنابراین، عمل حضرت زینب (س) مجوز مشروعیت نیست و حتی بر فرض پذیرش این مسئله (زدن سر به کجاوه) با عنایت به انقلاب روحی و وضعیت بحرانی ایشان عکس‌العملی عادی محسوب می‌شود و حال ایشان نمی‌تواند متعلق تکلیف باشد.

سیره متشرّعه در صورتی قابل پیروی است که از سیره اهل بیت (ع) برخلاف آن، ثابت نباشد. همچنین، به زمان معصوم (ع) برسد (مظفر، ۱۳۸۶: ۱۳۳/۲؛ اسلامی، ۱۳۸۷: ۱/۲۷۵)، در حالی که روش اهل بیت (ع) در جزع کردن بر حسین (ع) کاملاً روشن است و جای تردید نیست تا بخواهد با سیره متشرّعه ثابت شود. ضمن اینکه در خصوص ثبوت این سیره در عصر معصوم تردید فراوانی وجود دارد، بلکه خلاف آن ثابت است (هاشمی شاهرودی و جمعی از مؤلفان، بی تا: ۱۷۴/۵۰).

اما در خصوص نقد دلیل آخر، یعنی تقریر، که بیشتر ناظر است به نحوه عملکرد امام سجاد (ع) در عاشورا، توجه به این نکته ضروری است که امام سجاد (ع) اساساً در آن زمان در وضعیت جسمی بسیار نامطلوبی به سر می‌بردند (مجلسی، ۱۴۱۰: ۱/۴۵؛ امین،

۱۴۰۶: ۶۰۱/۱). بنابراین، وضعیت عادی حاکم نبوده است. ضمن اینکه شاید آن حضرت به سبب بیماری آن صحنه‌ها را ندیده باشند یا بعداً متذکر شده باشند.

۲. ادله مخالفان مشروعیت و قائلان به حرمت

در مقابل نظر موافقان، برخی معتقدند زنجیرزنی، لطم‌زنی و قمه‌زنی بنا به دلایل متعددی فاقد مشروعیت دینی و فقهی است. لذا ضمن حرام‌دانستن لطم، کندن مو و قمه‌زنی، گاهی آن را موجب کفاره نیز می‌دانند که اهم مستندات آنها به شرح زیر است:

الف. «دستورهای قرآن» در خصوص صبر و استقامت در مشکلات و مصائب و بی‌تابی و جزع‌نکردن در چنین موقعیت‌هایی، چنانچه در سوره بقره (آیه ۱۵۵-۱۵۷) به آن اشاره شده است.

«روایات» که مشتمل بر سه دسته است که هر سه گروه ناظر بر فقدان مشروعیت است:

۱. روایاتی که در خصوص عزاداری بر امام حسین (ع)، جز گریه بر ایشان، توصیه‌ای ندارد (نک: مجلسی، ۱۴۱۰: ۲۸۳/۴۴، باب ۳۴، ثواب البكاء علی مصیبت؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۲۸؛ فتال‌نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۶۹/۱، مجلس فی ذکر مقتل الحسین علیه السلام؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۵۰۴/۱۴، باب ۶۶، استجاب البكاء لقتل الحسین (ع) و ما أصاب أهل البيت علیه السلام).
۲. روایاتی که از انجام دادن اعمالی نامتعارف و مخالف متانت مانند لطم (به سر و صورت و سینه‌زدن)، کوبیدن سر به دیوار و قمه‌زنی و ... منع کرده است (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۳۱۵/۲، باب حبّ الدنيا والحرص علیها، ح ۵؛ مجلسی، ۱۴۱۰: ۹۳/۸۲، باب ۹۵ از ابواب التعزیه والمأتم و آدابها؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۱/۳ و نیز ص ۲۷۳ باب ۸۴ از ابواب کراهة الصیاح علی المیت، ح ۱). برای مثال، از امام سجاد (ع) نقل شده است که امام حسین (ع) در شب عاشورا حضرت زینب (س) را از هر گونه لطم و جزع نهی کرده است (مجلسی، ۱۴۱۰: ۲/۴۵؛ احمد بن جعفر بن وهب، بی تا: ۲۴۴/۲؛ بلاذری، ۱۳۹۷: ۱۸۵/۳؛ ابن جوزی، بی تا: ۳۳۸/۵؛ ابن کثیر، بی تا: ۱۷۷/۸).

۳. توصیه‌های فراوانی از اهل بیت (ع) درباره وظایف مؤمنان در گرفتاری‌ها در روایات وجود دارد که ناظر به همین مسئله است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۱۵/۲، باب حبّ الدنيا والحرص علیها، ح ۵؛ شهید ثانی، ۱۳۶۷: ۱۰۸ و ۱۱۴؛ مجلسی، ۱۴۱۰: ۹۳/۸۲، باب ۹۵ از ابواب التعزیه

والمأتم و آدابهما؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۱).

ج. قاعده «لا یطاع الله من حیث یعضی» اطاعت خدا را با عصیان ممکن نمی‌داند (حسینی، ۱۴۲۸: ۳۷/۲). از سویی «ترک فعل حرام» از شعائر است و آن عملی که ترکش شعار است، ممکن نیست فعلش از شعائر محسوب شود. از این رو با عنایت به اینکه قمه زنی از مصادیق فعل ضرری است، یعنی فعلی که فی نفسه هیچ منفعتی بر آن بار نمی‌شود، متعلق نهی شارع قرار گرفته و حرام است و ادله شرعی دال بر حرمت آن نیز وجود دارد. بنابراین، موضوعاً از باب «تعظیم شعائر» خارج می‌شود. به عبارت دیگر، این فعل ضرری از مصادیق محرمة محسوب می‌شود و قابلیت اینکه مصداق شعائر قرار بگیرد ندارد (محسن اراکی، جلسه درس «فقه الشعائر»، ۱۹ آبان ۱۳۹۲، قم به نقل از سایت www.afsaran.ir/link/418202؛ شبکه اجتهاد www.ijtihad.ir/NewsDetails.aspxitemid3389؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۶۰/۱). همچنین، شرط اساسی در عبادت تقرب است و با چیزی که از آن نهی شده است نمی‌توان به خدا نزدیک شد (مغنیه، ۱۹۷۵: ۳۴۵). بنا بر این اصل، از فعل ضرری قمه و لطم پرهیز داده شده است و نمی‌توان با آن به خداوند تقرب جست.

د. قاعده «الاضرر و لاضرار فی الاسلام» (روحانی، ۱۴۱۳: ۳۸۳/۵) از جمله قواعدی است که می‌تواند دلالت بر فقدان مشروعیت قمه زنی داشته باشد. شیخ انصاری معتقد است این قاعده، «نفی حکم و نفی موضوع» است (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۹۲/۲؛ همچنین نک: مشکینی، ۱۳۷۴: ۲۰۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۱/۵ و ۱۱۸ و ۱۲۸). یعنی شرع فعل ضرری را تشریح نکرده است. نتیجه اینکه حکم اولیه فعل ضرری حرمت است. لذا با فعل ضرری نمی‌توان تعظیم شعائر کرد.

اضرار و ایذاء، که طبق قاعده مذکور از آن نهی شده، یکی از مستندات قائلان به جایز نبودن قمه زنی است، چنانچه در فتاوی مراجع تقلید، از جمله موسوی خویی، آمده است که اگر قمه زنی و زنجیرزنی با قلاب‌های فلزی، که در ماه محرّم انجام می‌گیرد، منجر به ضرر و زیان معتنا بهی شود جایز نیست. البته وی قید دیگری برای جایز نبودن مبنی بر هتک، تمسخر و توهین به دین و مذهب ذکر می‌کند که مستقلاً به آن خواهیم پرداخت (موسوی خویی، ۱۴۱۶: ۴۴۵/۲). در فتوای مکارم شیرازی نیز بر اضرار به نفس تأکید شده است. وی می‌گوید: «بر عذاران لازم است از کارهایی که آسیبی به بدن آنها وارد می‌کند، خودداری کنند» (www.makarems Shirazi.org).

اما پس از تبیین وجوب پرهیز از فعل ضرری، لازم است قمه‌زنی به عنوان یکی از مصادیق آن محل تأمل قرار گیرد که با عنایت به اینکه تشخیص ضرری بودن یک فعل خاص، با توجه به اینکه از موضوعات است، بر عهده عرف است، از جایگاه عرف در فقدان مشروعیت قمه‌زنی می‌توان بهره جست. از این‌رو عرف، هر چیزی را که نیازمند مداوا باشد ضرر دانسته است. بنابراین، جرح و ایجاد زخم بر بدن از مهم‌ترین مصادیق ضرر محسوب می‌شود. از این‌رو عقلاً از آن پرهیز می‌کنند و عرف آن را قبیح می‌داند. علامه امین در کتاب *اعیان‌الشیعة* به این نکته تصریح می‌کند که قمه‌زنی اضرار به نفس است و می‌نویسد: «قمه‌زنی و اعمالی دیگر از این قبیل در مراسم عزاداری حسینی، و زخمی کردن سر، که نه سود دنیوی دارد و نه اجر اخروی، ایذاء نفس است و به حکم عقل و شرع حرام است ... شکی نیست که این اعمال ناشی از وسواس شیطانی بوده و موجب رضایت خدا و پیامبر و اهل بیت اطهار (ع) نیست» (امین، ۱۴۰۶: ۳۶۳/۱۰).

«حرمت ایذاء نفس» از عموماتی است که با هیچ یک از ادله موافقان قمه، تخصیص بردار نیست. بنابراین، فتوای صحیح و بجای بسیاری از فقها بر این مبنا قرار گرفته است، چنانچه شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء، به عنوان یکی از مخالفان قمه‌زنی، می‌گوید:

اگر بخواهیم موافق قواعد فقهی و استنباط احکام شرعی در خصوص مسئله لطمه به صورت زدن و اعمالی از این قبیل همچون قمه‌زنی و ... که در این روزگار جریان دارند نظر دهیم، به چیزی جز حرمت دست نیافته و چاره‌ای جز فتوا به منع و تحریم آنها نخواهیم داشت؛ زیرا هیچ مخصّصی که بتواند عمومات حرمت اضرار و ایذاء به بدن و حرمت به خطر انداختن جان انسانی را در این مسائل تخصیص زده باشد، وجود ندارد و دلیلی نداریم که بتوان اینها را از حکم به حرمت خارج کرد (نجفی، ۱۴۲۶: ۱۹-۲۲).

۵. بهره‌گیری از نقش «زمان و مکان» در فقدان مشروعیت قمه‌زنی: تأثیرات زمان و مکان در صدور احکام و تغییرات صفات موضوعات احکام از ملزومات در صدور احکام فقهی محسوب می‌شود؛ چنان‌که موسوی خمینی در این باره می‌گوید:

زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای

حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد (موسوی خمینی، بی تا: ۹۸/۲۱).

و در جایی دیگر، شناخت کامل از اوضاع و احوال بیرونی موضوعات را از ویژگی های مجتهد جامع معرفی می کند و می گوید: «آشنایی به روش برخورد با حیلها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست ها و حتی سیاسیون و فرمول های دیکته شده آنان ... از ویژگی های یک مجتهد جامع است» (همان: ۹۸/۲۱). از این رو با عنایت به وضعیت جهان اسلام در عصر حاضر و ضرورت حفظ عزت اسلام در دنیا لازم است برای جلوگیری از وهن مکتب شیعه و همچنین پرهیز از خشن جلوه دادن چهره اسلام در جهان، به جای نبودن اعمالی مانند قمه زنی حکم کرد.

و. وهن مکتب؛ یکی از مهم ترین دلایل منع مشروعیت قمه زنی آسیب های ناشی از رفتارهای ناهنجاری مثل قمه زنی در سطح جهان برای مذهب است. وهن مذهب از دلایل مهمی است که شاید می شد تحت عنوان توجه به عنصر مکان و زمان مطرح کنیم اما به دلیل اهمیتش جداگانه مطرح می کنیم. وهن، توهین و استهانه در منابع فقهی، مترادف با استخفاف و به معنای کاری است که موجب خفیف، حقیر شدن و اهانت شود (طریحی، ۱۴۱۶: ۴۲/۵؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۶/۱؛ باب ۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۶۱/۱). مسلم است که پدیده قمه زنی و برخی اعمال سبک و نابخردانه، باعث نوعی دزدگی از شرع اسلام و مذهب تشیع است و سبب می شود شیعه در میان مذاهب اسلامی متهم به غلو و رفتارهای ناهنجار شود.

بسیاری از فقها و اندیشمندان از قمه زنی به سبب وهن بودن آن برای مذهب نهی کرده اند، چنانچه از موسوی خوئی و شیخ جواد تبریزی پرسیدند «ضرب السلاسل والتطییر من العلامات التي تراها فی شهر محرم الحرام فاذا كان هذا العمل مضرا بالنفس

و مثیرا لانتقاد الآخرين فما هو الحكم حينئذ؟»؛ «زنجیرزنی و قمه‌زنی از اموری است که در ماه محرم الحرام مشاهده می‌شود، چنانچه این‌گونه اعمال اضرار به نفس باشد یا موجب انتقاد و سوءبرداشت بیگانگان شود، انجام دادن آنها چه حکمی دارد؟». تبریزی در پاسخ می‌گوید: «دخول ما ذکر فی الجزع المستحب لما أصاب سید الشهداء (ع) محل تأمل»؛ «داخل بودن امور مذکور تحت عنوان جزعی که برای مصیبت سیدالشهدا (ع) مستحب است، محل تأمل است». موسوی خویی نیز در پاسخ می‌گوید: «لا يجوز فيما إذا أوجب ضررا معتدا به، أو استلزم الهتك والتوهين»؛ «چنانچه این‌گونه اعمال موجب ضرر معتنا بهی شود یا مستلزم بی‌احترامی و اهانت باشد جایز نیست (موسوی خویی، ۱۴۱۶: ۴۴۵/۲، سؤال ۱۴۰۴). و می‌افزاید: «الضرر المعتد به هو الذی لا يتسامح بالوقوع فيه، كهلاک النفس أو المرض المشابه لملته، والأخران ما یوجب الذل والهوان للمذهب فی نظر العرف والله العالم»؛ «ضرر معتنا به عبارت است از امری که نمی‌توان از وقوع آن چشم‌پوشی کرد، مانند هلاکت نفس یا بیماری‌ای که منجر به هلاکت نفس شود؛ و منظور از هتک و توهین، چیزی است که موجب خاری و سبکی مذهب در نظر عرف کج‌اندیش شود» (همان، سؤال ۱۴۰۵). همچنین، شیخ جواد تبریزی در این باره می‌گوید: «عزاداری باید طوری باشد که موجب وهن بر شیعه نباشد». مکارم شیرازی نیز معتقد است: «اقامه عزای حسینی از افضل شعائر است، ولی باید از آنچه به بدن ضرر می‌رساند یا مایه وهن مذهب است پرهیز کرد» (محمودی، ۱۳۸۵: ۲۰۲/۴).

علما و مراجع تقلید، در این مسئله اجماع دارند که هر عملی که موجب «وهن اسلام» شود حرام است و باید از آن خودداری کرد. در روایات وارد شده و کتب فقهی بارها بر حرمت اهانت و استخفاف یکی از محترمات و ضروریات دینی مثل قرآن، اماکن مقدس، احکام دینی و حتی افعالی که منجر به اهانت به مؤمن می‌شود، مثل غیبت، تمسخر و سب، تصریح شده است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۹۳/۵ و ۲۹۴؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۵۵۶/۱ و ۵۵۷؛ جمعی از نویسندگان مؤسسه دایرة المعارف الفقه الاسلامی زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، بی‌تا: ۲۹۵-۲۹۸، باب استخفاف). در این کتب فقهی، حرمت وهن و استخفاف از طرق متعددی همچون آیات، روایات، حکم عقل، اجماع و ارتکاز ذهن متشرع اثبات شده (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۹۴/۵-۳۰۳؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۵۵۸/۱-۵۶۲؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۳۰) تا آنجا که حرمت آن را از ضروریات و مسلّمات دین دانسته‌اند؛ «أنَّ

من ضروریات الدین و مسلّماته والمرکز عند المتشرعة هو حرمة الاستخفاف بمحترّات الدین و عدم جوازہ» (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۹۵/۵ و ۲۹۶). از باب نمونه، در ادامه به پاسخ برخی فقها درباره استفتائی که در آن از بعضی رفتارهای وهن آمیز در عزاداری‌ها نهی شده، اشاره می‌کنیم:

طبق دیدگاه محمدتقی بهجت اگر موجب وهن مقدّسات شود، جایز نیست. سیستمی نیز قریب به همین مضمون را گفته‌است. به نظر وی، باید از کارهایی که عزاداری را خدشه‌دار می‌کند، اجتناب شود. فاضل لنکرانی نیز صراحتاً می‌گوید هر عملی که موجب وهن مذهب شود، جایز نیست. صافی گلپایگانی نیز رأی به پرهیز داده و گفته‌است در موقعیت‌هایی که موجب وهن مذهب شود، از آن خودداری گردد (محمودی، ۱۳۸۵: ۳۳/۳ در جواب استفتاء).

جوادی آملی و مهدی روحانی نیز از دیگر علمایی هستند که از این عمل به سبب وهن آمیز بودن آن نهی کرده‌اند و معتقدند چیزی که مایه وهن اسلام و پایه هتک حرمت عزاداری است، جایز نیست و انتظار می‌رود از قمه‌زنی و مانند آن پرهیز شود؛ چراکه اعمال شیعه و پیروان اهل بیت (ع)، محل توجه و مذاقه است. بنابراین، لازم است از امور یادشده که باعث وهن مذهب است، جداً اجتناب کرد؛ علاوه بر اینکه ولی امر مسلمین از این امر نهی فرموده و اطاعت معظم له واجب است. برخی علما در بیان فقدان مشروعیت قمه‌زنی بر «غیرمنطقی و ناپذیرفتنی بودن این عمل» تأکید فراوان داشته‌اند؛ چنانچه فاضل لنکرانی صراحتاً بر این مسئله تأکید کرده و گفته است:

با توجه به گرایش که نسبت به اسلام و تشیع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اکثر نقاط جهان پیدا شده و ایران اسلامی به عنوان ام‌القرای جهان اسلام شناخته می‌شود، و اعمال و رفتار ملت ایران به عنوان الگو و بیانگر اسلام مطرح است، لازم است در رابطه با مسائل سوگواری و عزاداری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) به گونه‌ای عمل شود که موجب گرایش بیشتر و علاقه مندی شدیدتر به آن حضرت و هدف مقدس وی گردد. پیدا است در این شرایط، مسئله قمه زدن نه تنها چنین نقشی ندارد، بلکه به علت عدم قابلیت پذیرش و نداشتن هیچ گونه توجیه قابل فهم مخالفان، نتیجه سوء بر آن مترتب خواهد شد. لذا لازم است شیعیان علاقه‌مند به مکتب امام حسین (ع) از آن

خودداری کنند. و چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد نذر واجد شرایط صحّت و انعقاد نیست (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵: ۲۱۷۳/۱؛ همچنین برای اطلاع بیشتر از دیدگاه برخی عالمان معاصر شیعی نک.: خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۵۹۷/۲).

محمدجواد مغنیه نیز در آثار خویش از قمه‌زنی انتقاد می‌کند و آن را از اختراعات عوام می‌داند. وی در این باره می‌نویسد:

یکی از کارهای نادرست، اعتماد و تکیه بر عادات و روش‌هایی است که عوام از آن پیروی می‌کنند. زیرا بسیاری از این اعمال را حتی دینی که عوام از آن پیروی می‌کنند تأیید نمی‌کند، اگرچه برخی شیوخ منتسب به دین از آنها حمایت کنند. روشن‌ترین نمونه‌ای که می‌توان برای این معنا تصور کرد اعمالی است که بعضی از عوام در روز عاشورا انجام می‌دهند. اعمالی مانند پوشیدن کفن و مجروح کردن سر و پیشانی خود به وسیله شمشیر، که باید گفت این گونه بدعت‌های زشت و شرم‌آور در زمان‌های متأخر از زمان ائمه و بزرگان علمای شیعه به وجود آمده است و از اختراعات جاهلانی است که خودسرانه و بدون اذن و اجازه امام یا عالم بزرگی آن را به وجود آورده‌اند و بعضی شیوخ فریب خورده نیز آن را به سبب تجارت و منافع خویش تأیید کردند. عده‌ای نیز از ترس اهانت یا آسیب وارد شدن بر نهضت حسینی یا برای مصالحی که خود می‌پنداشتند سکوت کردند و جریانی تاکنون در مواجهه با این اعمال به وجود نیامده است؛ مگر عده کمی از علما، که در پیشاپیش آنها سید محسن امین است. ایشان در این زمینه رساله‌ای خاص به نام *التنزیه لاعمال الشیبه* در حرمت و بدعت بودن قمه‌زنی نگاشت. اگرچه به همین دلیل عده‌ای فریب خورده و نادان در مقابل او موضع‌گیری کردند (مغنیه، ۱۴۰۹: ۱۴۱).

اگرچه تشخیص وهن مذهب بودن قمه‌زنی از مصادیق تشخیص موضوع است ولی از زمره موضوعات جزئی و شخصی نیست که تشخیص آن بر عهده مکلفان باشد، بلکه از موضوعات اجتماعی و سیاسی است که به‌ناچار باید مرجع واحدی برای تصمیم‌گیری و تشخیص آن وجود داشته باشد. در حکومت اسلامی تشخیص این‌گونه

موضوعات بر عهده رهبری است و نظر او فصل الخطاب است و مسلم است که وی با توجه به دلایلی از این عمل نهی کرده است، از جمله: جعلی و بدعت بودن ماهیت قمه زنی و وهن آمیز بودن برای مذهب تشیع، خرافی بودن و مصداق عزاداری نبودن آن، آثار و بازتاب های منفی قمه زنی مانند مخدوش شدن چهره تشیع، سوء استفاده دشمن از قمه زنی برای تبلیغ بر ضد تشیع، ضایع شدن فداکاری گذشتگان برای حفظ آبروی تشیع (برگرفته از بیانات در جمع روحانیان استان «کهرکیلویه و بویر احمد» در آستانه ماه محرم ۱۳۷۳/۰۳/۱۷؛ پاسخ به نامه امام جمعه اردبیل، حجة الاسلام والمسلمین آقای مروج، ۱۳۷۳/۰۳/۲۷؛ بیانات در جمع روحانیان استان «کهرکیلویه و بویر احمد» در آستانه ماه محرم ۱۳۷۳/۰۳/۱۷؛ پاسخ به نامه امام جمعه اردبیل، حجة الاسلام والمسلمین آقای مروج ۱۳۷۳/۰۳/۲۷؛ بیانات در اجتماع بزرگ مردم در صحن امام خمینی (ره) مشهد مقدس رضوی ۱۳۷۶/۰۱/۰۱ به نقل از: سایت تبیان). وی همچنین معتقد است قمه زنی، علاوه بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی شود و سابقه ای در عصر ائمه (ع) و زمان های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم (ع) درباره آن نرسیده، در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می شود. بنابراین، در هیچ حالتی (حتی پنهانی) جایز نیست و چنانچه در این خصوص نذری وجود داشته باشد، نذر واجد شرایط صحّت و انعقاد نیست (خامنه ای، ۱۴۲۴: ۳۲۶، س ۱۴۶۱).

همچنین از موسوی خمینی، درباره جواز قمه زنی در عزای امام حسین (ع) استفتاء به عمل آمد که در پاسخ چنین گفت: «در صورتی که موجب ضرر نباشد مانع ندارد، ولی در این زمان، در شرایط و اوضاع کنونی از قمه زدن خودداری شود» (موسوی خمینی، بی تا: ۵۸۱/۳ و ۵۸۳). وی به خوبی واقف بود که چنین حرکتی موجب وهن مکتب اهل بیت (ع) و تفکر شیعی می شود. بنابراین، حتی خودداری از اقامه نماز جماعت با اهل تسنن را موجبات وهن مکتب می دانست چه رسد به اعمالی از قبیل قمه زنی!

ح. لزوم تبعیت از حکم ولیّ فقیه در حرمت قمه زنی به عنوان یکی از ادله مخالفان مشروعیت قمه زنی مطرح است. شاید بتوان گفت با عنایت به اینکه این مسئله از احکام ثانویه است، حتی می تواند به تنهایی در زمره ادله مخالفان محسوب شود، چنان که بسیاری از علما و فقهای شیعی بر آن تصریح و تأکید کرده اند. در ادامه، به سبب اهمیت موضوع، به اختصار، به بیان دیدگاه های برخی صاحب نظران و مراجع شیعی خواهیم پرداخت.

سید کاظم حائری، ضمن تأکید بر وهن آمیز بودن آن می‌گوید:

اولاً ما شاهد آنیم که قمه‌زنی و بعضی اعمال شبیه به آن، ذاتاً موجب تخریب وجهه اسلام و تشیع گشته‌اند و دشمنان کافر نیز در زمان حاضر برای آسیب وارد کردن به ما در این گونه اعمال تکیه نموده، تا دین ما را دین خرافه و وحشی‌گری معرفی نمایند. و ثانیاً چه ما چنین دیدی را نسبت به قمه‌زنی به دست آورده باشیم یا نه، باید از اوامر ولی امر مسلمین در این مورد اطاعت کنیم؛ زیرا ایشان در این مورد موضع‌گیری صریح و روشنی نموده‌اند که دیگر هیچ‌گونه عذری را برای مخالفت باقی نمی‌گذارد و بر تمامی مسلمین واجب است که از دستورات ایشان اطاعت نمایند؛ چه کسانی که با ایشان در فتوا هم‌نظرند و یا از ایشان تقلید می‌کنند و چه کسانی که در این فتوا با ایشان هم‌نظر نبوده و یا از کس دیگری تقلید کنند؛ در هر صورت بر همه مسلمین واجب است از ایشان به خاطر ولی امر بودنشان تبعیت کنند (www.alhaeri.com).

از حسین مظاهری نیز درباره حکم فقهی قمه‌زدن پرسیدند. وی در پاسخ صراحتاً بر نظر ولی فقیه تأکید کرد و گفت: «چون ولایت فقیه نهی از آن کرده‌اند، همه باید از این کار پرهیز کنند؛ گرچه مقلد کسی باشند که جایز بدانند» (www.almazaheri.ir؛ برای اطلاع بیشتر در این زمینه نک: سائلی، بی‌تا: ۲۰۸).

علاوه بر اینها، فقهای بزرگی نیز در گذشته وجود داشتند که در فتاوی‌های خویش قمه‌زنی را بدعت و حرام دانسته‌اند، از جمله فقهای نامداری همچون: سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محسن امین، سید محسن حکیم، موسوی خمینی و ... پس نمی‌توان ادعا کرد که حتی در زمان گذشته که محدودیت‌های کنونی وجود نداشت کلیه علما، قمه‌زنی را تأیید می‌کردند. چنانچه در فتاوی‌های سید ابوالحسن اصفهانی آمده است: «ان استعمال السیوف والسلاسل والطبول والابواق و ما یجری الیوم أمثاله فی مواکب العزاء بیوم عاشورا انما هو مُحرم و هو غیر شرعی»؛ «به کار بردن شمشیرها (قمه‌زنی) و زنجیرها و طبل‌ها و بوق‌ها و کارهایی مانند آن، که امروزه در دسته‌های عزاداری و در روز عاشورا معمول است، همه حرام و غیر شرعی است (امین، ۱۴۰۶: ۳۷۸/۱۰؛ شُبر، ۱۳۶۹: ۳۴۰/۲؛ جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ۵۳۱/۲).

نتیجه

روایاتی که موافقان مشروعیت به آنها استناد کرده‌اند تا استحباب لطم و امثال آن را ثابت کنند، دلالت بر استحباب این اعمال نمی‌کند. بلکه دلالت بر استحباب غم و اندوه قلبی و گریه و زاری می‌کند. در هیچ یک از این روایات اسمی از لطم به میان نیامده، بلکه در همه آنها سخن از گریه و اندوه قلبی و ندبه و ضجه بوده است، یعنی اعمالی که همه متعارف‌اند و کسی بر آنها خرده نگرفته است.

از سویی سیره معصومان (ع) در عزاداری برای امام حسین (ع) بهترین گواه بر این است که جزع به معنای لطم و اعمال نامتعارف نیست و سیره اهل بیت (ع) نشان می‌دهد که جزع در شدیدترین حالات آن نباید همراه با این اعمال باشد؛ زیرا خود آن حضرات شدیدترین حالات اندوه و جزع را داشتند ولی هیچ کدام اقدام به چنین اعمالی نکردند. در نتیجه باید گفت دلیل صریحی بر جواز لطم و امثال آن تا کنون اقامه نشده است، در حالی که ادله محکمی بر حرمت این عمل وجود دارد. پس با عنایت به ادله و مستندات موجود در متن دین قمه‌زنی، لطم‌زنی و کلیه اعمالی از این سنخ، که موجب اضرار به نفس می‌شود و مهم‌تر از آن موجب وهن شیعه و تشیع و اسباب مخدوش شدن چهره مکتب اهل بیت و زبان‌درازی مخالفان آن به‌ویژه در عصر حاضر می‌گردد، هیچ‌گونه مجوز عقلایی و دینی ندارد، و رسالت عالمان دینی نیز درباره این مسئله سنگین‌تر می‌نماید و لازم است در بیان فتاوی خود از احساسات عوام فاصله بیشتری بگیرند و همت خود را معطوف به نشان‌دادن زیبایی‌های مذهب خردمندانه جعفری کنند.

منابع

قرآن.

نهج البلاغه.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی‌تا). *البدایة والنهاية*، بیروت: دار الفکر.
ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صادر.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (بی‌تا). *المنتظم فی التاریخ الملوک والأمم*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
احسائی، ابن ابی جمهور محمد بن علی (۱۴۰۵). *عوالی (غوالی) اللئالی العزیزیه*، قم: دار سید الشهداء للنشر.

احمد بن جعفر بن وهب (بی‌تا). *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.
اسلامی، رضا (۱۳۸۷). *قواعد کلی استنباط (ترجمه و شرح دروس فی علم الأصول)*، قم: بوستان کتاب، چاپ پنجم.

امین، سید محسن (۱۴۰۶). *اعیان الشیعه*، بیروت: انتشارات دار التعارف.
بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۷). *أنساب الأشراف*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
تاج، محمد (بی‌تا). «قمه‌زنی زیر تیغ نقد»، در: *پگاه حوزه*، ش ۳۱۹.
تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۵). *رسالة فی لبس السواد- الأنوار الالهیة*، قم: دار الصدیقة الشهیدة سلام الله علیها.

جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰). *دایرة المعارف تشیع*، قم: انتشارات حکمت.
حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعة إلى تحصيل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل‌البتین علیهم السلام.

حسینی شیرازی، صادق (۱۴۲۷). *بیان الاصول*، قم: دار الانصار، چاپ دوم.
حسینی مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی (۱۴۱۷). *العناوین الفقهیة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حسینی، محمد علی (۱۴۲۸). *التعلیق والشرح المفید للحلقة الاولى*، قم: مؤسسه عاشورا.
حلی، رضی الدین سید ابن طاووس (۱۴۰۹). *الاقبال بالأعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنة* (ط - القديمة)، تهران: دار الکتب الاسلامیة، الطبعة الثانية.

خامنه‌ای، سید علی (۱۴۲۴). *رسالة اجوبية الاستفتائات*، قم: انتشارات انقلاب اسلامی.
خوش صورت موفق، اعظم (۱۳۹۴). «مدیحه‌سرایی از دیدگاه اسلام»، *نهمین جشنواره ملی رضوی*، منتشر شده در: *کتاب بر آستان ارادت*، اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی، چاپ اول.

روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۳). *القواعد الفقهیة: منتقى الاصول*، قم: چاپ‌خانه امیر.

سپهر کاشانی، محمدتقی (۱۳۳۷). *ناسخ التواریخ*، تهران: امیرکبیر.

شُبّر، سید حسن (۱۳۶۹). *تاریخ العراق السیاسی المعاصر*، بی‌جا: دار الممتدی للنشر.

طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶). مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، چاپ سوم.
طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۹۳). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب
الاسلامیه.

طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۱۴). الأملی، قم: دار الثقافة.
الطهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۳). الدرر الی تصانیف الشیعه، بی جا: دار الاضواء، الطبعة الثالثة.
عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن نور الدین علی بن احمد (۱۴۰۹). مسکن الفؤاد و حبّ الأولاد،
تهران: نشر دانش.

فاضل لنکرانی (موحدی)، محمد (۱۴۲۵). جامع المسائل، قم: انتشارات امیر قلم.
قتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (طبع قدیم)، قم: الشریف
الرضی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (۱۴۰۶). الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی
(ع).

قاضی طباطبائی، محمدعلی (۱۳۸۳). تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا علیه السلام، تهران:
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
قمی (صدوق)، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی
وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹). مفاتیح الجنان، قم: انتشارات دلیل.
کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۰). بحار الأنوار الجامعة الدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم
السلام، بیروت: مؤسسة الطبع والنشر.

محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳). قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم.
محمودی، سید محسن (۱۳۸۵). مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، بی جا: نشر ورامین، چاپ
پانزدهم.

مسائلی، مهدی (بی تا). قمه زنی؛ سنت یا بدعت، اصفهان: نشر گلبن اصفهان، چاپ ششم.
مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۷۴). اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، قم: الهادی، چاپ ششم.
مشهدی حائری، محمد بن جعفر (۱۴۱۹). المزار الكبير، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم.

مظفر، محمدرضا (۱۳۸۶). اصول فقه همراه شرح، شارح: عبدالله اصغری، قم: بی نا، چاپ دوم.
مغنیه، محمد جواد (۱۴۰۹). الشیعة فی المیزان، بیروت: دار الجواد، چاپ دهم.

بررسی و نقد دیدگاه‌های عالمان شیعی در باب لطم و قمه‌زنی / ۵۱

مغنیه، محمد جواد (۱۹۷۵). *علم أصول الفقه فی ثوبه الجدید، بیروت: دار العلم للملایین*.
مقری فیومی، احمد بن محمد (بی‌تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: منشورات دار الرضی*.

موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ (۱۳۹۷). *القواعد الفقهیة، قم: نشر الهادی، ج ۱*.
موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ (۱۴۱۹). *القواعد الفقهیة، قم: نشر الهادی، ج ۵*.
موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام*.
موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۲). *استفتائات، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم*.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا). *تحریر الوسیلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم*.
موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۶). *صراط النجاة (المحشی الخویی)، قم: مکتب نشر المنتخب*.
موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸). *التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم: لطفی*.
نجفی (کاشف الغطاء)، محمد حسین بن علی بن محمد رضا (۱۴۲۶). *الفرردوس الأعلى، قم: دار أنوار الهدی*.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی*.
نخجوانی، محمدعلی (بی‌تا). *الدعاة الحسینیة، قم: هیئت قمر بنی هاشم (ع)*.
نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷). *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال والحرام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم*.
هاشمی شاهرودی و جمعی از مؤلفان (بی‌تا). *مجله فقه اهل بیت (ع)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ج ۴۹ و ۵۰*.

ijtihad.ir/NewsDetails.aspx?itemid3389

www.afsaran.ir/link/418202

www.makaremshirazi.org

www.tebyan.net/mobile.aspx/Comment/index.aspx?pid=61180

